

بازشناسی مکاتب متقدم حدیثی شیعی خراسان و کیفیت تعامل با دیگر مکاتب حدیثی شیعه

فروغ پارسا*

چکیده

تشیع با حضور امام علی بن موسی الرضا^{علیه السلام} در خراسان بزرگ که از اواسط سده اول، شماری از شیعیان در آن فعالیت می کردند، گسترش قابل ملاحظه ای پیدا کرد و مجالس متعددی برای ترویج حدیث شیعه در بوم های مختلف خراسان برپا شد. در واقع فضل بن شاذان نیشابوری (متوفی ۲۶۰ق) که وی را از اصحاب امام رضا و امام جواد و امام هادی^{علیهم السلام} دانسته اند، ضمن سفرهای متعدد و تلمذ نزد مشایخ حدیثی شیعه و تحمل مصائب فراوان در فضای ضد شیعی عباسیان، متقدم ترین مکتب حدیثی شیعه را در نیشابور بنیاد گذاشت. محمد بن مسعود عیاشی (متوفی حدود ۳۲۰ق)، از شاگردان با واسطه ابن شاذان نیز موفق شد مکتب حدیثی نیرومندی در سمرقند به وجود آورد که آثار آن تا سده پنجم هجری در جهان تشیع باقی بود. از این دو مکتب حدیثی که در فاصله سده سوم تا پنجم هجری در گسترش تشیع در خراسان فوق العاده تأثیرگذار بوده اند و آثار و نوشتجات پرشماری داشته اند، اطلاعات و آگاهی اندکی در دسترس قرار دارد. مسئله این پژوهش شناسایی مشایخ و مبانی مکاتب حدیثی متقدم شیعی خراسان است و ضرورت این تتبع بیش از همه به اهمیت بوم خراسان بزرگ و نقش آن در تعاملات علمی و حدیثی جهان اسلام ارتباط دارد. احیای میراث شیعی و بازسازی گنجینه های علمی گمشده نیز از دیگر ضرورت های این پژوهش است که با روش کتابخانه ای و صرفاً از لایه لای منابع متأخر به اطلاعاتی درباره این مکاتب دست یافته است. این جستار نشان داده که عقل گرایی و توجه به مباحث کلامی، ضرورت موافقت حدیث با قرآن، توجه به عدم نقل حدیث از غلات و مذاهب منحرف، توجه به مباحث رجالی، بیان احادیث اخلاقی و فقهی و تعامل گسترده با بوم های شیعی، در شمار ویژگی های مکاتب حدیثی شیعی خراسان است. دو مکتب حدیثی ابن شاذان و عیاشی از جنبه عقل گرایی و توجه به موافقت حدیث با قرآن با مکتب حدیثی بغداد و از جنبه توجه به مباحث فقهی و اخلاقی با مکتب قم اشتراک بیشتری داشته اند.

کلیدواژه ها: خراسان، امام رضا^{علیه السلام}، مکاتب حدیثی شیعی خراسان، فضل بن شاذان، محمد بن مسعود عیاشی.

* استاد پژوهشکده مطالعات قرآنی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران، f.parsa@ihcs.ac.ir

۱. مقدمه و بیان مسئله

مکاتب یا مدارس حدیثی به معنای حلقه‌ای از عالمان که براساس دیدگاه‌ها و مبانی خاصی به حدیث پژوهی پرداخته‌اند (شفیعی، ۱۳۸۷ش: ۱۱۵)، تقریباً از سده سوم هجری به بعد در شرق و غرب جهان اسلام، از جمله در بوم خراسان، قابل شناسایی هستند (پارسا، ۱۳۹۱ش: ۱۰). در واقع خراسان که از گذشته‌های دور اهمیت تاریخی و فرهنگی قابل ملاحظه‌ای داشته، از همان سده‌های آغازین ورود اسلام بدان به یکی از قطب‌های علمی و آموزشی شرق جهان اسلام بدل شده و مکاتب حدیثی مختلفی در آن شکل گرفته است. مکاتب حدیثی شیعی نیز پس از حضور امام رضا (ع) در خراسان در ۲۰۰ هجری، به اهتمام اصحاب و یاران امام پایه‌گذاری شدند و حدیث شیعه رواج گسترده‌ای پیدا کرد. در واقع فضل بن شاذان و محمد بن مسعود عیّاشی که از اصحاب بی‌واسطه و باواسطه امامان شیعه تلقی می‌شوند، مکاتب حدیثی نیرومندی را در نیشابور و سمرقند پدید آوردند. پیدایی این مکاتب از نقطه نظر تاریخ تشیع و نیز تاریخ حدیث اهمیت زیادی دارند، زیرا خلفای عباسی همواره از محبوبیت اهل بیت (ع) و رواج تشیع در هراس بودند و مشایخ حدیث شیعی تحت فشار و خشونت‌های مختلف عباسیان قرار داشتند. از سوی دیگر، مکاتب حدیثی محمد بن اسماعیل بخاری (متوفی، ۲۵۶ق) و مسلم بن حجاج نیشابوری (متوفی ۲۶۱ق) که صاحب مهم‌ترین مجامع حدیثی اهل سنت هستند، در بوم خراسان بسیار فعال بودند و مسامحت امثال ابن شاذان و عیّاشی را باید نقطه عطفی در تاریخ حدیث شیعه دانست. این همه و نیز بایستگی احیای تراث شیعی، ضرورت این مطالعه را تأکید می‌کند. پژوهش درباره مکاتب حدیثی شیعی خراسان پیشینه تقریباً اندکی دارد؛ اگرچه منابع تاریخی، رجال و حدیثی متعددی در این باره قابل استفاده هستند. مهدی غلامعلی (۱۳۹۳ش) در تاریخ حدیث شیعه در ماوراءالنهر و بلخ و الهام قاسمی (۱۳۹۰ش) در کتاب در آمدی بر بازشناسی مکاتب حدیثی ماوراءالنهر، ترسیمی کلی از فعالیت‌های حدیثی در خراسان ارائه کرده‌اند. «بررسی حوزه حدیثی کش و سمرقند»، تألیف سید مصطفی مطهری و محمود تقی‌زاده داوری (۱۳۹۰ش) و «حوزه حدیثی نیشابور از ابتدا تا اوایل قرن هفتم هجری» تألیف احمد رضا شرفی نیز قابل ذکرند که هیچ‌یک مسئله این پژوهش را پیگیری نکرده‌اند. نگارنده پیش از این در قالب راهنمایی پایان‌نامه کارشناسی ارشد با زهرا نبی، مکاتب حدیثی خراسان را مطالعه و تحلیل کرده

و نیز در «میراث حدیثی گمشده ماوراءالنهر» برخی از کارهای پیش گفته را نقد نموده است. در واقع مسئله این پژوهش، بازشناسی مشایخ و تبیین مبانی مکاتب متقدم حدیثی شیعی خراسان و نیز چگونگی تعامل و ارتباط ایشان با دیگر مکاتب حدیثی شیعه است که در مقالات و کتاب‌های نام‌برده به تفصیل مورد مطالعه قرار نگرفته است. روش تحقیق، کتابخانه‌ای است و اسناد و کتب تاریخی، رجال، فهرست‌نگاری‌ها و منابع حدیثی متقدم با رویکرد تاریخی تحلیلی مطالعه شده‌اند.

۲. بوم خراسان

خراسان نام سرزمینی کهن در مشرق ایران پهناور بوده که به دلیل موقعیت جغرافیایی از گذشته‌های بسیار دور، همواره به لحاظ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اهمیت داشته است (دنیل، ۱۳۶۷ش: ۹). جغرافی‌دانان مسلمان غالباً ماوراءالنهر و شهرهای آن را بخشی از خراسان می‌دانستند (مقدسی، بی تا: ۲۹۷؛ یعقوبی، ۱۴۲۲ق: ۷۱؛ ناشناس، ۱۴۲۳ق: ص ۱۱۴) و تأکید می‌کردند که شهرهای ماوراءالنهر معمولاً تحت حاکمیت و سلطه امیران خراسان بوده است (ابن فقیه، ۱۴۱۶ق: ۶۱۵).

ورود اسلام به خراسان و تصرف شهرهای آن از سال ۳۰ هجری و در ایام خلافت عثمان بن عفان آغاز شد (بلاذری، ۱۳۳۷ش: ۵۶۱) ولی فتح کامل خراسان به دلیل مقاومت مردم خراسان تا اواخر عهد امویان به طول انجامید (فروزانی، ۱۳۸۷ش: ۳۶-۳۸). با این همه، هسته‌های مقاومت و قیام بر ضد حکومت مرکزی در خراسان تا دهه‌های بعد همچنان وجود داشت (بخارایی، ۱۳۷۷ش: ۹۰-۹۴؛ یعقوبی، ۱۳۷۸ش، ج ۲: ۴۵۰). در واقع پژوهشگران، قیام سیاه‌جامگان به رهبری ابومسلم خراسانی، صدارت خاندان برمکی در خلافت عباسیان (ر.ک: صادق سجادی، ۱۳۹۸ش)، تأسیس پادشاهی طاهریان به مثابه نخستین سلسله ایرانی پس از ظهور اسلام در خراسان (ر.ک: اکبری، ۱۳۸۴ش) و بالاخره پیدایی حکومت سامانیان را در شمار فعالیت‌های ایرانیان برای بازپس‌گیری خراسان دانسته‌اند (ذنون ثامری، ۱۳۹۴ش: ۳).

۱-۲. تشیع در خراسان

قبل از ورود اسلام، ادیان مختلف زرتشتی، مانوی، مزدکی و مسیحی در خراسان وجود داشته است (فروزانی، ۱۳۸۷ش: ۳۲؛ موسوی بجنوردی و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۰۵). پس از فتح خراسان نیز رواج دین اسلام صرفاً با اقدامات تشویقی سرداران مسلمان و در اواخر سده اول هجری میسر شد (بلاذری، ۱۳۳۷ش: ۵۸۷). ظاهراً در خراسان و ماوراءالنهر مذاهب مختلف اسلامی و برخی ادیان مختلف حضور داشتند (مقدسی، بی تا: ۳۲۳؛ بارتولد، ۱۳۶۶ش: ۲۲۸). اگرچه خلفا و کارگزاران حکومت به مذهب اهل سنت بودند. براساس برخی شواهد و قراین، از نیمه دوم قرن اول هجری به این سو و پس از سرکوب قیام مختار ثقفی (متوفی ۶۷ق) و فشار و خشونت بی نهایت امویان، برخی از شیعیان از جمله زیدیان و کیسانیان و علویان در پی یافتن گریزگاه، به خراسان روی آوردند (مفتخری، ۱۳۷۹ش: ۱۲۲-۱۲۶). رواج و اقتدار شیعه امامیه پس از سده دوم قمری و بیش از همه مرهون حضور امام رضا (ع) در طوس و فعالیت اصحاب و یاران ایشان است (ابن خلدون، ۱۳۸۳ش، ج ۲: ۴۵۰).

۲-۲. حوزه حدیثی شیعی خراسان

به منطقه‌های جغرافیایی خاصی که در آن‌ها با حضور یکی از معصومان (ع) و یا اصحاب و راویان ایشان، مدارس و مجالس آموزش حدیث تشکیل شود و آثار و تألیفات حدیثی پدید آید، حوزه یا مرکز حدیثی گفته می‌شود (مهریزی، ۱۳۹۷ش: ۸). بر این اساس، می‌توان وجود حوزه حدیثی خراسان را به دلیل حضور امام رضا (ع) در خراسان، کاملاً تأیید کرد. در واقع حضرتش به نقل منابع متعددی در سال ۲۰۰ یا ۲۰۱ هجری به خراسان آمده‌اند (نوبختی، ۱۴۰۴ق: ۸۷؛ اشعری قمی، ۱۳۶۰ش: ۹۵؛ یعقوبی، ۱۳۷۸ش، ج ۲: ۴۶۵ و ۴۴۸؛ مغنیه، بی تا: ۶۵). همچنین راویان پرشماری از قول ایشان، حدیث سلسله الذهب را که در نیشابور امام (ع) بیان نمود، نقل کرده‌اند (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۳۷۱)؛ ازسوی دیگر، گزارش‌های تاریخی وجود مجالس علمی و مشایخ حدیثی در شهرهای بخارا، نیشابور و سمرقند را تأیید کرده (یاقوت حموی، ۱۹۹۵م، ج ۲: ۳۵۴) و گفته‌اند که در خراسان به‌ویژه مجالس املا و مقابله حدیث با حضور محدثان برجسته برگزار می‌شده است (ذنون ثامری، ۱۳۹۴ش: ۴۷-۵۱).

۲-۳. مکاتب حدیثی شیعی خراسان

مکتب در لغت، به معنای محل آموزش نوشتن یا آموزش به صورت مطلق است (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۴: ۱۸). در اصطلاح نیز، مجموعه اندیشه و افکار فلسفی و یا ادبی را مکتب گویند (دهخدا، ۱۳۴۱ش: ذیل واژه مکتب). در واقع پیدایی مکتب مبتنی بر اندیشه‌های یک استاد است که گفتمان و سنت ویژه و متمایز از دیگر سنت‌ها به وجود آورده است و شاگردان و هوادارانی دارد که تحت تأثیر این گفتمان هستند (Schacht, 1967: 6-7). در تعریف مکتب حدیثی نیز می‌توان گفت گفتمان یا سنت حدیثی خاصی است که یک استاد حدیثی مطرح کرده و ازسوی شاگردان و هواداران ادامه پیدا کرده است. بر این اساس، برای شناسایی یک مکتب حدیثی باید بنیان‌گذار مکتب، ویژگی‌ها و مبانی حدیثی و شاگردان برجسته و طرفداران مکتب که ادامه‌دهنده مکتب در نسل‌های بعدی هستند، مشخص گردد. در حوزه حدیثی بزرگ خراسان که مکاتب حدیثی مهم اهل سنت یعنی مکتب حدیثی محمد بن اسماعیل بخاری (متوفی ۲۵۶ق) و مکتب حدیثی مسلم بن حجاج (متوفی ۲۶۱) در آن وجود دارد، مکاتب حدیثی شیعی نیز در بوم‌های مختلف آن قابل شناسایی هستند که در مقایسه با مکاتب اهل سنت، فعالیت‌های حدیثی قابل ملاحظه‌ای ارائه داده‌اند.

در این پژوهش، دو مکتب حدیثی در نیشابور و سمرقند به مثابه مهم‌ترین شهرهای خراسان (مقدسی، بی تا: ۲۹۵) مورد مطالعه قرار گرفته است.

۳. مکتب حدیثی شیعی فضل بن شاذان نیشابوری

ابومحمد فضل بن شاذان بن خلیل آزدی نیشابوری (متوفی ۲۶۰ق) را باید پایه‌گذار متقدم‌ترین مکتب حدیثی شیعی در نیشابور خراسان دانست. در واقع گزارش‌های رجال متعددی نشان می‌دهد فضل بن شاذان براساس گفتمان ویژه‌ای، حدیث را نشر می‌داده و شاگردانی داشته که مکتب وی را ادامه داده‌اند.

۳-۱. حیات علمی ابن شاذان

فضل بن شاذان که تقریباً در اواخر سده دوم در نیشابور متولد شده (بیات مختاری، ۱۳۸۸ش: ۱۰۶-۱۰۷) در آغاز، تحت تربیت پدرش شاذان بن خلیل از اصحاب امام جواد (ع) (طوسی،

۱۳۷۳ش: ۳۷۶) و یونس بن عبدالرحمن (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۳۰۶) آموزش دیده و از نوجوانی به همراه ایشان در بغداد و کوفه از مجالس حدیثی اصحاب امامان شیعه استفاده کرده است (طوسی، ۱۴۰۹ق: ۵۱۵-۵۱۶). محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی، حسن بن محبوب، حسن بن علی بن فضال، محمد بن اسماعیل بزیع، محمد بن حسن واسطی، اسماعیل بن سهل، ابوداود مسترق، عمار بن مبارک، عثمان بن عیسی، فضالة بن ایوب، علی بن حکم، ابراهیم بن عاصم، ابوهاشم داود بن قاسم جعفری، قاسم بن عروه و عبدالرحمن بن ابی نجران، از دیگر مشایخ (استادان) فضل هستند (همان: ۵۴۳-۵۴۴). در واقع بسیاری از استادان فضل از جمله صفوان بن یحیی بیاع السابری، و محمد بن ابی عمیر، حسن بن محبوب و حسن بن علی بن فضال، افرادی هستند که به گزارش کشی، در رابطه با صحیح دانستن روایات و منقولات ایشان و تصدیق علم و فقاہت آنان اجماع وجود دارد (همان: ۵۵۶) و نزد حدیث پژوهان شیعه جایگاه بلندی دارند و به اصحاب اجماع معروف اند. نجاشی، فضل بن شاذان را راوی احادیث امام جواد و امام رضا علیهما السلام (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۳۰۷) دانسته و شیخ طوسی، وی را در شمار اصحاب امام هادی و امام عسکری علیهما السلام آورده است (طوسی، ۱۳۷۳ش: ۴۲۰). براساس گزارش های رجالی، به نظر می رسد شبهه در استماع و تحمل حدیث ابن شاذان از امام رضا علیه السلام (پاکتچی، ۱۳۷۰ش: ۵۰) به دلیل حضور امام رضا علیه السلام در حوالی سال های ۲۰۰ و ۲۰۱ در نیشابور و روابط فضل با اصحاب و یاران امام، توجیهی ندارد. شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱ق) که احادیث زیادی از امام رضا علیه السلام را به نقل از ابن شاذان در آثار خود آورده، در نقل مشایخ و راویان احادیث خود احتیاط و دقت زیادی داشته (غفاری، ۱۴۱۳ق: مقدمه من لایحضره الفقیه) به ویژه کتاب من لایحضره الفقیه را در خراسان و قریه ایلاق (بلخ) از محدثان آن دیار استماع کرده است. علاوه بر این، قراین دیگری نیز صحت ارتباط فضل با امام رضا علیه السلام را تأیید می نماید (بیات مختاری، ۱۳۸۸: ۱۱۹-۱۲۴). شخصیت فضل بن شاذان به مثابه محدثی قابل اعتماد، فقیه و متکلم از شهرت و مقبولیت زیادی برخوردار است (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۳۶۱؛ خویی، ۱۳۷۲، ج ۱۴: ۳۱۹)؛ چنان که نجاشی بزرگی مقام وی را مشهورتر از توصیف می داند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۰۷). ابن شاذان در سلسله اسناد حدود ۷۷۵ حدیث شیعه قرار دارد. ابن شاذان پس از سفرهای حدیثی مختلف به نیشابور بازگشت و در مجالس درسی به آموزش حدیث و نگارش کتاب

اشتغال پیدا کرد. نجاشی ۱۸۰ عنوان (همان: ۳۰۶-۳۰۹) و کشی ۱۶۰ عنوان تألیفات وی را برشمرده (طوسی، ۱۴۰۹ق: ۵۴۵) که از این آثار هیچ‌یک به دست ما نرسیده ولی عناوین کتاب‌ها تا حدودی می‌توانند قرینه‌ای به ویژگی‌های فکری فضل و شرایط فرهنگی زمان وی باشند. فضل به گزارش کشی در زمان حکومت عبدالله بن طاهر بر خراسان (۲۱۴-۲۳۰ق) به جهت تشیع، مورد تفتیش عقاید قرار گرفت و از نیشابور تبعید شد (همان: ۵۳۹). و نیز گزارش شده که وی در روستایی در حوالی بیهق در حین فرار از خوارج، بیمار شده و سپس درگذشته است (همان: ۵۴۳).

۲-۳. ویژگی‌های مکتب حدیثی فضل بن شاذان نیشابوری

شاذان بن خلیل، پدر و نخستین استاد فضل از دانش‌آموختگان مکتب یونس بن عبدالرحمن و از یاران امام رضا^(ع) است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۰۶). بر این اساس می‌توان گفت مبانی حدیثی مکتب فضل با تعالیم امام رضا^(ع) بنیان‌گذاری شده است. احادیث فراوانی از فضل بن شاذان در تأیید و تمجید یونس بن عبدالرحمن وجود دارد. بیش از آن، وی خود را ادامه‌دهنده مکتب یونس بن عبدالرحمن و محمد بن ابی‌عمیر می‌داند (طوسی، ۱۴۰۹ق: ۴۸۵ و ۴۸۴). در واقع مکتب حدیثی فضل بن شاذان، از مکتب عقل‌گرای بغداد تأثیر پذیرفته است. آثار و کتاب‌های فضل بن شاذان از بین رفته ولی با توجه به گزارش برخی منابع و احادیث منقول از وی در کتاب‌های شیعی می‌توان ویژگی‌های مکتب وی را شناسایی نمود.

۳-۲-۱. عقل‌گرایی

فضل بن شاذان تلاش کرده سنت عقل‌گرایی در آموزه‌های اهل بیت^(ع) را در خلال انتقال احادیث ایشان ادامه بدهد. باید یادآوری کرد که عقل‌گرایی در این جستار به معنای دخالت دادن عقل و منطق و استدلال در قبول و یا مردود دانستن احادیث است. از این روست که ویژگی عقل‌گرایی به اشکال مختلفی در مکتب فضل بن شاذان قابل شناسایی است.

۳-۲-۱-۱. تبیین مبانی کلامی و اعتقادی شیعه

احادیث بسیاری از فضل به تبیین مباحث اعتقادی و کلامی شیعه اختصاص دارد. کشی برخی احادیث را در بحث توحید، صفات خداوند و علم امام بیان کرده است (برای نمونه ر.ک:

طوسی، ۱۴۰۹: ۵۳۹-۵۴۰). احادیث باقی مانده از وی در بحث امامت نیز نشان از رویکرد عقلی و استدلالی وی دارد (برای نمونه ر.ک: مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۱۸-۱۲۰ و ۱۶۷ و ۱۷۰؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱۰۳). تألیف آثاری مانند کتاب الایمان، التوحید فی کتب الله، إثبات الرجعة، الإمامة کبیر، فضل أمير المؤمنين عليه السلام، الأربع مسائل فی الإمامة، کتاب الغیبه یا القائم عليه السلام و کتاب الخصال فی الإمامة نشان می دهد فضل در تبیین و ترویج مبانی اعتقادی شیعه با توجه به احادیث امامان سعی بلیغی داشته است. کتاب غیبت و یا کتاب قائم از فضل بن شاذان نیشابوری، متقدم ترین کتاب در این بحث است و شگفت آنکه ابن شاذان، کتاب خویش را پیش از ولادت و غیبت حضرت مهدی عليه السلام تألیف کرده است (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۲). نسخه های این کتاب در قرون گذشته در دسترس علمای ما بوده است ولی متأسفانه در این قرن از آن خبری نیست. فقط مقداری از این اثر در ضمن تألیفات و کتاب های دانشمندانی که از آن کتاب استفاده کرده اند برجای مانده است؛ به ویژه علامه مجلسی که روایاتی از آن کتاب را در دایرة المعارف خود (بحار الانوار) نقل نموده است (کورانی، ۱۳۶۹: ۶۷۲).

۲-۱-۲-۳. مبارزه با عقاید فرق و مذاهب منحرف

فضل بن شاذان در سده سوم و هنگامه پیدایی فرق و مذاهب مختلف زندگی می کرد و مبارزه با این فرق و تبیین حقانیت مذهب شیعه با نقل حدیث اهل بیت عليهم السلام را وظیفه خود می دانسته است. کتاب هایی با عناوین النقص علی الإسکافی فی تقوية الجسم، الرد علی الثنوية، الرد علی أهل التعطيل، الرد علی الحسن البصري فی التفضيل، الرد علی الحشوية، الرد علی المنائية، الرد علی المرجئة، و الرد علی القرامطة نشان از مبارزه عقلی و استدلالی فضل بن شاذان با این مذاهب دارد.

۲-۲-۳. عدم نقل حدیث از ضعفا و دروغ گویان و نقد غالیان

فضل بن شاذان براساس نقل کثی، آثاری در معرفی جاعلان حدیث و کسانی داشته که به دروغ احادیثی از امامان نقل می کردند؛ که ابوالخطاب، یونس بن ظبیان، یزید الصائغ، محمد بن سنان و ابوسمینه مشهورترین این دروغ گویان بوده اند (طوسی، ۱۴۰۹ق: ۵۴۶). نجاشی نیز در شمار کتاب های فضل به کتابی با عنوان الرد علی الغالية المحمدية اشاره کرده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۰۷).

۳-۲-۳. توجه به موافقت حدیث با قرآن

موافقت مضمون حدیث با قرآن کریم در شمار معیارهای ارزیابی حدیث صحیح از نظر فضل بن شاذان است. در واقع فضل به نوعی به نقد محتوایی حدیث اعتقاد داشته است. گفته شده که بهترین گزارش موجود در تصریح به صحت حدیث، از سوی فضل بن شاذان بیان شده که حدیثی از امام علی علیه السلام در خصوص محاسبه ارث را به دلیل موافقت با قرآن صحیح دانسته؛ چنان که آمده است: «قَالَ الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ: هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى مُوَافَقَةِ الْكِتَابِ» (معارف و باقری، ۱۳۹۱: ۵۴). در واقع معیار موافقت با قرآن و سنت از مواردی است که استاد وی یونس بن عبدالرحمن نیز بدان اعتقاد داشته است (طوسی، ۱۴۰۹ق: ۴۹۹).

۴-۲-۳. بیان احادیث فقهی و علل احکام

احادیث فقهی مروی از فضل بن شاذان در مجامع حدیثی شیعه قابل دستیابی است. در واقع فضل در کتابهای النجاشی فی عمل شهر رمضان، الفرائض الکبیر، الفرائض الأوسط، الفرائض الصغیر، السنن، الطلاق، و المسح علی الخفین، احادیث فقهی زیادی را بیان کرده که بخشی از آن‌ها به ما رسیده است. فضل در کتاب العلل خود، ظاهراً علت احکام شرعی را بیان کرده که شیخ صدوق آن را به نوعی اعتقاد به قیاس دانسته است.

۵-۲-۳. تعامل با حوزه‌های حدیثی شیعه

فضل بن شاذان، سفرهای حدیثی بسیاری به مراکز شیعی مثل، بغداد، کوفه و مدینه و قم داشته و نیز شاگردانی از آن مراکز داشته است. به همین دلیل، روایات زیادی از فضل بن شاذان در مجامع حدیثی وجود دارد و براساس محاسبات موجود وی در زنجیره اسناد حدود ۷۷۵ روایت شیعی وجود دارد (ر.ک: درایة النور).

۳-۳. شاگردان و ادامه‌دهندگان مکتب فضل بن شاذان

مکتب حدیثی فضل بن شاذان در خلال فعالیت‌های حدیثی بسیاری از محدثان در نیشابور و خراسان ادامه پیدا کرد. علی بن شاذان و محمد بن شاذان، از برادران فضل که از وی استماع حدیث کرده‌اند، ابو محمد جعفر بن نعیم بن شاذان (برادرزاده فضل و از مشایخ شیخ صدوق)، محمد بن احمد بن نعیم بن شاذان نوه برادرش که مشهور به ابو عبدالله شاذانی و از راویان

فضل است، علی بن احمد و علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری که کشی در رجال خود به او اعتماد کرده است، سهل بن بحر فارسی، عباس بن مغیره، حامد بن محمد ازدی بوشنجی ملقب به خوراء، عبدالله بن بیهقی (پدر حاکم نیشابوری) و ابوعلی احمد بن یعقوب بیهقی که بر پیکر فضل نماز گزارد، همگی از شاگردان فضل بودند (رستمی و زارع، ۱۳۹۰ش: ۲۰۰-۲۰۱).

۴. مکتب حدیثی محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی

ابو نصر محمد بن مسعود بن محمد بن عیاش، معروف به عیاشی (متوفی ۳۲۰ قمری)، از دیگر دانشمندان و محدثان حوزه خراسان است که در سمرقند مکتب حدیثی شیعی را بنیاد گذاشت.

۴-۱. حیات علمی و حدیثی عیاشی

محمد بن مسعود بن محمد بن عیاش، معروف به عیاشی از محدثان برجسته شیعه است. شیخ طوسی وی را اهل سمرقند معرفی کرده و گفته برخی او را از بنی تمیم می دانند. (طوسی، ۱۴۲۰: ۳۹۶). سال تولد وی مثل بسیاری دیگر از عالمان مسلمان معلوم نیست ولی وی را هم عصر با کلینی (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۳۵) و متوفای ۳۲۰ قمری دانسته اند (زرکلی، ۱۹۸۹م: ج ۷: ۹۵). طوسی از وی با عناوین «جلیل القدر، واسع الأخبار، بصیر بالروایة، مطلع علیها» یاد می کند و به طور مشخص، به گستردگی دانش عیاشی به حدیث و تخصص وی در شناخت و بصیرت نسبت به احادیث اشاره دارد (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۳۹۶). ابن ندیم او را از فقیهان شیعه امامیه معرفی کرده که در دانش، سرآمد زمان خود بوده و تألیفاتش در نواحی خراسان بسیار مهم و ارزنده تلقی می شده است (ابن ندیم، ۱۳۴۶، ج ۱: ۳۶۱). نجاشی نیز با واژه های ثقه، صدوق، عین من عیون هذه الطائفة، عیاشی را ستوده ولی تصریح کرده که وی از ضعفای نیز روایت می کرده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۰). نجاشی، همان جا توضیح داده که عیاشی در آغاز از اهل سنت بوده و روایات فراوانی از آنان شنیده، ولی در همان ایام جوانی متحول شده و شیعه گردیده است. عیاشی حدود ۳۰۰ هزار درهم دارایی خود را در ترویج علوم دینی و آموزه های حدیثی شیعه وقف نموده و خانه وی همواره محل رفت و آمد کاتبان حدیث و قاریان و اهل علم بوده است (همان: ۳۵۱). وی برای تحمل حدیث و فراگیری آن سفرهای مختلفی به کوفه، قم و بغداد داشته، چنان که نجاشی گزارش کرده که وی از اصحاب علی بن حسن بن فضال و عبدالله بن محمد بن

خالد الطیالسی و شیوخ کوفی و بغدادی و قمی، استماع حدیث نموده است (همان‌جا). فضل بن شاذان نیشابوری، ابوعبدالله شاذانی، حسین بن اشکیب سمرقندی، جبریل بن احمد فاریابی، جعفر بن احمد بن ایوب سمرقندی (ابن تاجر)، علی بن حسن بن فضال، عبدالله بن محمد بن خالد طیالسی، قاسم بن هشام لؤلؤ (از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام)، ابراهیم بن محمد بن فارس (از اصحاب امام هادی و امام عسکری علیه السلام)، محمد بن عیسی بن عیید یقطینی، حسین بن عبدالله قمی، ابوعباس بن عبدالله بن سهل بغدادی را در شمار مشایخ عیاشی نقل کرده‌اند (احمدی‌نژاد، ۱۳۷۸: ۴۰-۴۱). عیاشی، شخصیت پرکار و پرتألیفی بوده؛ شیخ طوسی حدود ۲۰۰ اثر (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۳۹۶-۳۹۹) و ابن‌ندیم ۲۰۸ اثر وی را نام برده‌اند (ابن‌ندیم، ۱۳۴۶، ج: ۱؛ ۳۶۳)؛ لیکن نجاشی در فهرست خود حدود ۱۶۰ کتاب از کتاب‌های عیاشی را نام برده (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۳۵۱-۳۵۳)، که برخی از آن‌ها در فهرست ابن‌ندیم و فهرست طوسی نیامده است. آثار عیاشی در زمینه‌های مختلف فقه، قرآن، تاریخ، کلام و عقاید و نجوم بوده است که نشان از تخصص وی در این دانش‌ها دارد. نسخه‌های اصلی همه این آثار تقریباً از بین رفته ولی برخی آثار عیاشی، مثل کتاب تفسیر، اخلاق و رجال وی در لابه‌لای آثار دیگران قابل دستیابی است.

۲-۴. ویژگی‌های مکتب حدیثی عیاشی

محمد بن مسعود عیاشی، فعالیت‌های حدیثی گسترده‌ای داشته و شاگردان زیادی تربیت کرده است؛ چنان‌که می‌توان بنیاد یک مکتب حدیثی را به وی منتسب دانست. مبانی و ویژگی‌های مکتب عیاشی که از لابه‌لای گزارش‌های منابع رجالی و حدیثی استخراج شده، به قرار ذیل است:

۴-۲-۱. عقل‌گرایی

عیاشی از شاگردان علی بن حسن بن فضال (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۱) و فضل بن شاذان است و طبعاً مانند استاد خود، رویکردی عقل‌گرایانه و کلامی دارد. در مجامع حدیثی شیعه، احادیث زیادی در بحث توحید، امامت، غیبت و استدلال‌های عقلی درباره عقاید شیعه از محمد بن مسعود عیاشی نقل شده است (برای نمونه ر.ک: ابن‌بابویه، ۱۳۹۸ق: ۱۷۹؛ همو، ۱۳۷۸، ج: ۱؛ ۲۷ و ۷۶؛ همو، ۱۳۹۵ق، ج: ۱؛ ۲۸۶؛ همو، ۱۳۸۵، ج: ۱؛ ۲۰۲، ۲۳۸ و ۲۴۵). بیش از

آن، عناوین آثار وی مثل کتاب التوحید و الصفة، کتاب الإیمان، کتاب البداء، کتاب الرجعة، کتاب إثبات إمامة علی بن الحسین علیه السلام، و کتاب دلائل الأئمة، نشان می دهد وی به نقل و عرضه احادیث امامان در مباحث اعتقادی و کلامی اهتمام داشته است.

۲-۲-۴. بیان احادیث فقهی

محمد بن مسعود عیاشی در زمینه نقل احادیث فقهی نیز شهرت دارد. تفسیر عیاشی که احتمالاً تنها اثر به جامانده از وی است، حاوی احادیث فقهی زیادی است و به آیات الاحکام توجه زیادی داشته است. احادیث فقهی عیاشی در منابع مختلف شیعی نیز فراوان به چشم می خورد (برای نمونه ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۱۶۷؛ ج ۴: ۵۵۲؛ ج ۷: ۳۳؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۵۶۴، ج ۲: ۱۸۲؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۳۷۹؛ ج ۳: ۲۰۵ و ۲۶۸). عیاشی براساس فهرست های موجود، بیش از یکصد عنوان کتاب در مباحث فقهی تألیف کرده است. کتاب های الطهارات الکبیر، الصلاة، الصوم، الزکاة، النکاح، البیوع، حد القاذف، المناسک، الدیات و ده ها کتاب دیگر نشان می دهد عیاشی در ابواب مختلف فقه صاحب نظر بوده و احادیث مربوط بدان ها را عرضه کرده است.

۳-۲-۴. توجه به موافقت حدیث با قرآن

توجه به موافقت حدیث با قرآن در شمار ویژگی های مکتب حدیثی عیاشی است. عیاشی در مقدمه کتاب تفسیر خود، فصلی با عنوان ترک حدیث مخالف قرآن دارد و در آن چند حدیث به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله و صادقین علیهما السلام در ضرورت عدم کار بست احادیث مخالف قرآن آورده است (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۸-۹؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۲۹). بر این اساس می توان به این نتیجه رسید که عیاشی به نقد متن و محتوای حدیث اهمیت زیادی می داده است و شاید عبارت نجاشی که وی را متهم به نقل از ضعفا کرده، ناظر باین معناست که وی به اسناد کمتر توجه می کرده است. البته احاطه وی به دانش رجال مانع از این تعلیل است و شاید عبارت نجاشی مربوط به دوران قبل از تشیع وی بوده است.

۴-۲-۴. توجه به مباحث رجالی

عیاشی احتمالاً به دلیل سفرهای مختلف به مراکز حدیثی و ارتباط با اصحاب امامان شیعه،

اطلاعات رجالی گسترده‌ای داشته، چنان‌که شیخ طوسی در فهرست در اولین توصیف خود از عیاشی بدان اشاره کرده است (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۳۹۶). این رویکرد یعنی اطلاع از شخصیت‌های حدیثی و فرقه‌ها و مذاهب مختلف از نقل‌هایی که از وی در اختیار معرفة الرجال کشی وجود دارد کاملاً آشکار است (مطهری و تقی‌زاده داوری، ۱۳۹۰: ۱۵۸). عنوان‌های معرفة الناقلین و معیار الاخبار (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۲ و ۳۵۳) در بین کتاب‌های عیاشی نیز رویکرد رجالی وی را نشان می‌دهد.

۴-۲-۵. بیان احادیث اخلاقی

عیاشی، راوی احادیث اخلاقی و عبادی زیادی بوده است (برای نمونه ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۳۴۳، ۴۸۳ و ۵۱۷). بیش از آن، برخی از عناوین آثار عیاشی مانند العالم و المتعلم، کتاب الزهد، محاسن الاخلاق، حقوق الاخوان و کتاب اللباس (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۱)، دل‌بستگی وی را به مباحث اخلاقی و نشر احادیث آن نشان می‌دهد. ظاهراً شیخ طبرسی در کتاب مکارم الاخلاق خود، بخش‌هایی از کتاب اللباس عیاشی را نقل کرده است (طبرسی، ۱۴۱۲ق).

۴-۲-۵. بیان احادیث تفسیری

بیان احادیث تفسیری از ویژگی‌های مهم مکتب حدیثی عیاشی است. کتاب تفسیر عیاشی، تنها اثر به‌جامانده از وی و از تفسیرهای کهن شیعه متعلق به عصر غیبت صغرا (۲۶۰-۳۲۹ق) است که مانند دیگر آثار تفسیری امامیه در این دوره، جنبه روایی بر آن غالب است. این کتاب ازسوی فرزند عیاشی گزارش شده لکن راوی، اسناد را تقطیع کرده به امید آنکه موفق به سماع کامل اثر گردد (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱). تفسیر شامل مباحث مقدماتی در فضیلت قرآن، ترک روایت احادیث مخالف با قرآن، مذمت تفسیر به رأی، ناسخ و منسوخ، ظاهر و باطن و محکم و متشابه و لزوم مراجعه به تفسیر امامان معصوم علیهم‌السلام است. در ادامه به تفسیر قرآن پرداخته که نسخه در دسترس فقط شامل سوره حمد تا آخر سوره کشف است. این تفسیر در اصل دو جلد بوده که از زمان علامه مجلسی به بعد، از نیمه دوم آن اثری نیست. آقابزرگ تهرانی، شش نسخه مختلف خطی و چاپ‌شده از نیمه اول تفسیر عیاشی را معرفی کرده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۲۹۵). این تفسیر مباحث فقهی و کلامی مختلفی را در بر دارد.

۴-۳. شاگردان و ادامه دهندگان مکتب عیاشی

عیاشی، راویان و حدیث شناسان زیادی را تربیت کرد و چنان که قبلاً بیان شد، خانه وی مجلس درس و مقابله علوم دینی و حدیث بود. شاگردان عیاشی در کتب رجالی با عنوان اصحاب عیاشی و یا غلمان عیاشی معروف شده اند (برای نمونه ر.ک: طوسی، ۱۳۷۳: ۴۱۵، ۴۰۷، ۴۱۷، ۴۵۱ و جاهای دیگر). محمد بن عمر بن عبدالعزیز الکشی (متوفی ۳۸۵ق) مهم ترین شاگرد این مکتب است. شیخ طوسی او را به «حسن اعتقاد و راستی مذهب» (همان: ۱۴۱) و ابن داود او را به «دارنده راه راست» (قهپانی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۱۴۵) توصیف می کنند. کشی نیز در شمار «غلام و صحابه عیاشی» توصیف شده است. مهم ترین تألیفات کشی معرفة اخبار الرجال و یا معرفة الناقلین عن الائمة الصادقین علیه السلام معروف به رجال کشی است که اصل کتاب وی در دسترس نیست و شیخ طوسی برخی مطالب را با عنوان اختیار معرفة الرجال یا اختیار الکشی گزارش کرده است. حیدر بن محمد بن نعیم السمرقندی از دیگر شاگردان عیاشی است. شیخ طوسی او را در شمار غلمان عیاشی دانسته و با عبارات جلیل القدر و فاضل از وی تمجید کرده و توضیح داده که حیدر بن محمد سمرقندی تمام مصنفات عیاشی را روایت و نزد وی قرائت کرده است. بیش از آن، حیدر بن محمد هزار کتاب شیعه را به طریق قرائت یا اجازه روایت کرده و در نقل روایات بسیاری با عیاشی مشترک است و از ابوالقاسم علوی و ابوالقاسم جعفر بن محمد قولویه، و نیز ابوعمرو کشی روایت کرده و کتاب هایی نیز داشته است (طوسی، ۱۴۲۰: ۱۶۵-۱۶۶). طوسی در کتاب رجال نیز گفته است که حیدر بن محمد از حسن بن احمد بن ولید قمی و حسین بن احمد بن ادریس قمی و جعفر بن محمد بن قولویه و پدرش همه کتاب ها و تألیفات شیعه را روایت کرده و در سال ۳۴۰ق، تلعبیری (هارون بن موسی) آثار وی سماعاً و با اجازه، روایت کرده و کتاب هایی نیز داشته است (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۲۰ و ۴۲۱). جعفر بن محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی، فرزند عیاشی نیز در شمار ادامه دهندگان مکتب وی است. شیخ طوسی وی را فاضل توصیف کرده و تمام کتاب های پدر را روایت کرده است و شاگردش ابوفاضل شیبانی، توانسته تمام روایات آن کتب را از جعفر روایت کند (همان: ۴۱۸). کتاب های عیاشی به سرعت در کتابخانه های مهم جهان اسلام عرضه شد و به گفته نجاشی، علی بن محمد بن عبدالله ابوالحسن قزوینی قاضی از عالمان معتمد شیعی، نخستین بار برخی از کتب عیاشی را در سال

۳۵۶ ق با خود به بغداد آورد و آن‌ها را از ابوجعفر احمد بن عیسی علوی زاهد از عیاشی روایت می‌کرد (دوانی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۲۹). شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (متوفی ۳۸۱ ق) نیز که در حدود سال ۳۶۸ ق، برای تعلیم و تعلّم، سفری به نواحی سمرقند داشته و در ایلاق به درخواست شیعیان آن دیار کتاب من لایحضره الفقیه را تألیف کرده، از شاگردان عیاشی روایاتی برگرفته است. در واقع مظفر بن جعفر بن مظفر علوی سمرقندی از افرادی است که شیخ صدوق از وی روایات زیادی نقل کرده است (برای نمونه ر.ک: ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۲۸، ۱۱۲، ۳۴۹؛ همو، ۱۳۸۵: ۵۳، ۱۳۰ و ۱۴۵).

بر این اساس می‌توان به این نتیجه رسید که عیاشی موفق شد در سمرقند مکتب حدیثی نیرومندی در ادامه مکتب ابن شاذان پایه‌گذاری کند که شاگردان وی تا سده پنجم آن را ادامه دادند.

۵. ارتباط مکاتب حدیثی شیعی خراسان با مکاتب قم و بغداد

خراسان به لحاظ جغرافیایی از زیستگاه رسول خدا ﷺ و امامان شیعه یعنی مدینه و کوفه و بغداد فاصله زیادی دارد. در واقع مشایخ حدیثی شیعی خراسان برای درک و اخذ حدیث، مجبور به جلای وطن و سفرهای طولانی به بوم‌های شیعی می‌شدند و بالطبع ازسوی کارگزاران حکومت اموی و عباسی به دلیل تشیع، مضایق و تنگناهای زیادی را تحمل می‌نمودند. ارتباط مکاتب حدیثی فضل بن شاذان و محمد بن مسعود عیاشی با دیگر مکاتب شیعی در امور ذیل احصا شده است.

۱-۵. رحلات و سفرهای حدیثی از خراسان به بغداد، قم و کوفه و برعکس

گزارش منابع رجالی بیانگر این معناست که فضل بن شاذان و محمد بن مسعود عیاشی و شاگردان ایشان به بغداد، قم و کوفه سفرهای حدیثی داشته و از مشایخ آن بوم‌ها اخذ حدیث نموده‌اند (برای نمونه ر.ک: طوسی، ۱۴۰۹: ۵۴۳-۵۴۴؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۱؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۴۲۰). ازسوی دیگر از بوم‌های قم و جاهای دیگر نیز افرادی برای درک محضر مشایخ خراسان به نیشابور و سمرقند سفر می‌کرده‌اند (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۱۷، ۴۱۹، ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۷، ۴۴۱ و ۴۵۱).

۵-۲. تبادل کتاب بین مشایخ حدیثی خراسان و بوم‌های دیگر

مشایخ شیعی خراسان با دیگر بوم‌های شیعی تبادل کتاب و حدیث داشته‌اند؛ چنان‌که به مثل فضل بن شاذان راوی کتاب‌های مشایخ بغداد از جمله یونس بن عبدالرحمن بوده (همو، ۱۴۰۹: ۵۳۹) و شیخ صدوق که شیخ القمیین و از مشایخ برجسته قم بوده، کتب و روایات فضل را دریافت و نقل کرده و در مشیخه، طرق خود به فضل را بیان کرده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۴۵۷). شیخ طوسی نیز در مشیخه کتاب استبصار به چهار طریق خود، به فضل بن شاذان اشاره کرده است (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۳۱۵-۳۴۱).

۵-۳. اشتراک در برخی مبانی حدیثی

عقل‌گرایی و رویکرد کلامی در مکاتب حدیثی فضل بن شاذان و عیاشی، برجستگی ویژه‌ای دارد (ر.ک: همین مقاله). این مبنا یعنی عقل‌گرایی و رویکرد کلامی در مکتب بغداد نیز کاملاً بارز است (ر.ک: رضاداد، ۱۳۹۵؛ برنجکار و هاشمی، ۱۳۹۳). در واقع رویکردهای عقل‌گرایانه یونس بن عبدالرحمن و محمد بن ابی عمیر به مثابه مهم‌ترین مشایخ حدیثی بغداد در پیدایی مکتب بغداد که شیخ مفید (متوفی ۴۱۳ق) و شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ق) بنیان‌گذاران آن بوده‌اند، تأثیر زیادی داشته است (معارف، ۱۳۷۴: ۳۷۱-۳۷۴). بر این اساس می‌توان رویکرد عقل‌گرایانه را از موارد اشتراک مکاتب خراسان و بغداد دانست. نقادی متن حدیث و معیار موافقت حدیث با قرآن نیز از موارد اشتراک مکتب حدیثی خراسان با مکتب بغداد و مشایخ حدیثی آن است. مکتب حدیثی قم، به احادیث فقهی و اخلاقی اهمیت زیادی می‌دهد (ر.ک: جباری، ۱۳۸۴). بر این اساس، رویکردهای فقهی و اخلاقی نیز از موارد اشتراک مکتب حدیثی خراسان و قم است. در واقع چنان‌که در این مقاله ملاحظه شد، شیخ صدوق بسیاری از احادیث فقهی و اخلاقی شیعی را از طریق ابن شاذان و عیاشی روایت کرده است.

۶. خلاصه و نتیجه‌گیری

خراسان به مثابه سرزمینی پهناور در شرق ایران و با ویژگی‌های مهم سیاسی و اقتصادی و فرهنگی از نیمه دوم سده اول هجری، بیش‌وکم پذیرای شیعیانی بود که از جور خلفا به تگ آمده بودند. حضور امام رضا (ع) در سال ۲۰۰ هجری در خراسان و اهتمام اصحاب و یاران ایشان مقدمات

گسترش تشیع و رواج حدیث و آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) را به‌خوبی فراهم کرد. در واقع پیدایی مجالس و حلقه‌های حدیثی که به بنیاد مکاتب حدیث شیعی انجامید، در حوزه بزرگ حدیثی خراسان که مشایخ بزرگ اهل سنت همچون محمد بن اسماعیل بخاری و مسلم بن حجاج نیشابوری و ابوعیسی محمد ترمذی و دیگران در آن بودند، نقطه عطفی در تاریخ حدیث شیعه تلقی می‌گردد.

حدیث یکی از حوزه‌های بزرگ حدیثی سنی و شیعی در تاریخ حدیث اهمیت زیادی دارد. از همین رو، پیدایی مکاتب مذهب تشیع و پیدایی حلقه‌ای از حدیث‌پژوهان شیعه در بوم‌های مختلف خراسان از جمله نیشابور و سمرقند را فراهم نمود.

فضل بن شاذان نیشابوری از اصحاب مورد اعتماد امامان شیعه و پس از وی محمد بن مسعود عیاشی با تحمل فشار و تنگناهای حکومتی موفق شدند پس از رحلت حدیثی متعدد به بغداد، کوفه و قم و اخذ حدیث از امامان شیعه (علیهم‌السلام) و اصحاب ایشان مکاتب حدیثی توانمندی را در نیشابور و سمرقند بنیاد نمایند.

فضل بن شاذان و محمد بن مسعود عیاشی هر دو براساس گزارش‌های رجال، تألیفات پرشماری داشته‌اند که بیشتر آن‌ها از بین رفته و صرفاً در خلال آثار متأخر قابل دسترس شده است.

مکاتب حدیثی شیعی فضل و عیاشی، شاگردان مبرزی داشته که تا سده پنجم قمری فعالیت‌های آن مکاتب را ادامه داده‌اند.

عقل‌گرایی و توجه به مباحث کلامی و اعتقادی، ضرورت موافقت حدیث با قرآن، اطلاعات رجالی گسترده و توجه به عدم نقل حدیث از غلات و مذاهب منحرف، بیان گسترده احادیث اخلاقی و فقهی، تعامل فراوان با حوزه‌های حدیث شیعی و تألیفات متعدد حدیثی، در شمار ویژگی‌های این مکاتب است.

مکاتب حدیثی شیعی خراسان از جنبه عقل‌گرایی و توجه به ضرورت موافقت حدیث با قرآن با مکتب حدیثی بغداد و از جنبه توجه و بیان گسترده احادیث فقهی و اخلاقی با مکتب قم اشتراک دارد.

منابع

- آقایزگ تهرانی، محمد محسن. (۱۴۰۸ق). الذریعة الى تصانیف الشیعه. بیروت: دارالاضواء.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۸ق). التوحید (للمصدق). تحقیق و تصحیح هاشم حسینی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲ش). الخصال. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸ش). عیون أخبار الرضا علیه السلام. تصحیح مهدی لاجوردی. تهران: نشر جهان.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۵ش). علل الشرائع. قم: کتاب فروشی داوری.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمه. تصحیح علی اکبر غفاری. تهران: اسلامیه.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق). معانی الاخبار، تصحیح علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. تصحیح علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۸۳ش). العبر (تاریخ ابن خلدون). ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابن فقیه، احمد بن محمد. (۱۴۱۶ق). البلدان. تحقیق و تصحیح یوسف الهادی. بیروت: عالم الكتب.
- ابن ندیم، محمد بن ابی یعقوب. (۱۳۴۶ش). ترجمه فهرست ابن ندیم. ترجمه محمدرضا تجدد. تهران: چاپخانه بانک بازرگانی ایران.
- اشعری قمی، سعد بن عبدالله. (۱۳۶۰ش). المقالات و الفرق. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اکبری، امیر. (۱۳۸۴ش). تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیر. (۱۳۶۶ش). ترکستان نامه. ترجمه کریم کشاورز. تهران: آگاه.
- بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت.
- بخارایی، شمس. (۱۳۷۷ش). تاریخ بخارا، خوفند و کاشغر. تحقیق و تصحیح محمد اکبر عشیق. تهران: دفتر نشر میراث مکتوب.
- برنجکار، رضا و هاشمی، ریحانه. (۱۳۹۳ش). عقل گرایی در مدرسه امامیه بغداد و معتزله. نشریه فلسفه دین، ۱۱ (۱)، ۵۷-۸۲.
- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۳۳۷ش). فتوح البلدان. ترجمه محمد توکل. تهران: نشر نقره.
- بیات مختاری، مهدی. (۱۳۸۸ش). کاستی های گزارش دایرة المعارف اسلامی از محدث والا مقام فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام. فصلنامه حدیث پژوهی، ۱ (۲)، ۱۰۵-۱۳۶.

- پارسا، فروغ. (۱۳۹۱ش). میراث حدیثی گمشده ماوراءالنهر. کتاب ماه دین، شماره ۱۷۵، ۸-۱۴.
- پاکتچی، احمد. (۱۳۷۰ش). ابن شاذان. در: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۴۹-۵۲.
- جباری، محمدرضا. (۱۳۸۴ش). مکتب حدیثی قم. قم: زائر - آستانه مقدسه.
- خونی، ابوالقاسم. (۱۳۷۲ش). معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة. قم: مرکز نشر الثقافة الإسلامية فی العالم.
- دانیل، التون. (۱۳۶۷ش). تاریخ سیاسی و اجتماعی خراسان. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۱ش). لغت‌نامه. تهران: چاپ سیروس.
- دوانی، علی. (۱۳۷۷ش). مفاخر اسلام. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ذنون ثامری، احسان. (۱۳۹۴ش). حیات علمی در روزگار سامانیان. ترجمه جمال اشرفی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رستمی، محمدحسن و زارع، زکیه. (۱۳۹۰ش). فضل بن شاذان نیشابوری در آئینه تمیز مشترکات رجالی. کتاب قیم، شماره ۱، ۱۹۷-۲۱۴.
- رضاداد، علیّه. (۱۳۹۵ش). مکتب حدیثی بغداد. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- زکلی، خیرالدین. (۱۹۸۹م). الاعلام. بیروت: دارالعلم للملایین.
- شرفی، احمدرضا. (۱۳۸۹ش). حوزه حدیثی نیشابور از ابتدا تا اوایل قرن هفتم هجری. علوم حدیث، شماره ۵۷، ۲۳۵-۲۱۱.
- شفیعی، سعید. (۱۳۸۷ش). گام‌های شکل‌گیری نخستین مکتب حدیثی شیعه. فصلنامه علوم حدیث، شماره ۴۷، ۱۱۳-۱۴۵.
- صادق سجادی، محمد. (۱۳۹۸ش). تاریخ بر مکیان. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار.
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۴۱۲ق). مکارم الاخلاق. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین. تحقیق احمد حسینی اشکوری. تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۷۳ش). رجال الطوسی. تحقیق و تصحیح جواد قیومی اصفهانی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسین بقم المقدسه.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۹۰ش). الاستبصار فیما اختلف من الاخبار. تحقیق حسن الموسوی خراسان. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام. تحقیق حسن الموسوی خراسان. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی). تصحیح حسن مصطفوی. مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۲۰ق). فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول. تحقیق عبدالعزيز طباطبائی. قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.

عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ش). التفسیر العیاشی. تحقیق هاشم رسولی. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه. غفاری، علی اکبر. (۱۴۱۳ق). «مقدمه» در کتاب ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

غلامعلی، مهدی. (۱۳۹۳ش). تاریخ حدیث شیعه در ماوراءالنهر و بلخ، در آمدی بر مکتب حدیثی خراسان. قم: دارالحدیث.

فروزانی، سید ابوالقاسم. (۱۳۸۷ش). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان. تهران: سمت.

قاسمی، الهام. (۱۳۹۰ش). بازشناسی مکاتب حدیثی ماوراءالنهر، دفتر اول، مکتب حدیثی سمرقند. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران- دانشگاه مک گیل.

قهپائی، عنایت الله. (۱۳۸۷ق). مجمع الرجال. اصفهان: کتاب فروشی ثقیفی. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کورانی، علی. (۱۳۶۹ش). عصر ظهور. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی. مطهری، سید محمود و تقی زاده داورى، محمود. (۱۳۹۰). بررسی حوزه حدیثی سمرقند و کش. نشریه شیعه شناسی، ۹ (۳۵)، ۱۴۵-۱۷۰.

معارف، مجید. (۱۳۷۴ش). پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه. تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری ضریح. معارف، مجید و باقری، حمید. (۱۳۹۱). کارکردهای نقد متنی احادیث نزد محدثان متقدم امامی. مجله پژوهش های قرآن و حدیث، شماره ۴۵، ۳۹-۷۰.

مغنیه، محمدجواد. (بی تا). الشیعة فی المیزان. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات. مفتخری، حسین. (۱۳۷۹ش). اولین تکاپوهای شیعه در خراسان. مجله تاریخ اسلام، شماره ۱، ۱۱۷-۱۴۰. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الفصول المختارة تحقیق و تصحیح علی میرشریفی. قم: کنگره شیخ مفید. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد. (بی تا). احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم. محمد بن احمد کرمی. بیروت: دار صادر.

مهریزی، مهدی. (۱۳۹۷ش). حوزه ها و مکاتب حدیثی. قم: انتشارات دانشگاه قرآن و حدیث.

موسوی بجنوردی، کاظم. (۱۳۸۳). اسلام، پژوهشی تاریخی و فرهنگی. تهران: انتشارات مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

ناشناس. (۱۴۲۳ق). حدود العالم من المشرق الى المغرب. تصحيح يوسف الهادى. قاهره: دارالتقافیه للنشر. نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۶۵ ش). رجال النجاشی. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم المشرفة.

نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). الغیبة. تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری. تهران: نشر صدوق. نوبختی، حسین. (۱۴۰۴ق). فرق الشیعه. بیروت: دار الأضواء.

یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله. (۱۹۹۵م). معجم البلدان. بیروت: دار صادر. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (۱۳۷۸ش). تاریخ یعقوبی. ترجمه محمدابراهیم آیتی. تهران: بنگاه انتشارات علمی و فرهنگی.

یعقوبی، احمد بن اسحاق. (۱۴۲۲ق). البلدان. تحقیق محمدا مین صناوی. بیروت: دارالکتب العلمیه. Schacht, J. (1967). *The Origins of Muhammadan Jurisprudence*. ۴th impression. Oxford [1st ed. 1959].

References

- Āgā Buzurg al-Tihriānī, M. (1987). *Al-Dharī'a ilā taṣānīf al-shī'a*. Beirut: Dār al-Aḍwā. [in Arabic]
- Akbari, A. (2005). *History of the Taherian government from beginning to end*. Tehran: Organization for the Study and Compilation of Humanities Textbooks (SAMT :Sāzmān. Motāle'eh va Tadvin Kotob-e Olum-e Ensāni)
- Ash'ari al-Qummi, S. b. A. (1981). *Al-Maqalat wa al-Firaq*. Scientific and Cultural Publications (Enteshārāt-e Elmi va Farhangi). [in Arabic]
- Ayyashi, M. (2001), *Al-Tafsir al-Ayyashi*, researched by Hashim Rasuli, Tehran, Maktaba al-Ilmiyah al-Islamiyah. [in Arabic]
- Bahrani, S.H. (1995), *Al-Burhan fi Tafsir al-Quran*, Tehran, Bunyad-e Ba'sath. [in Arabic]
- Baladhari, A. (1958), *Fotuh al-Buldan* (Conquest of the Worlds), / Translated by Mohammad Tawakol, Tehran, Nashre Noghre Publications. [in Arabic]
- Barenjkar, R. and others (2014), "Rationalism in the Imamiyya School of Baghdad and the Mu'tazilites", *Journal of Philosophy of Religion*, Year 11, No. 1, pp 57-82. [In Persian]
- Barthold, Vasily Vladimir (1987), *Turkestan Nameh*, translated by Karim Keshavarz, Tehran, Agah. [In Persian].

- Bayat Mokhtari, M. (2009), "Deficiencies in the Islamic Encyclopedia's Report on the High-ranking Hadith Scholar Faḍl ibn Shazan from Imam Reza (peace be upon him)," *Journal of Hadith Studies (Hadith Pajouhi)*, Volume. 1, No. 2, pp. 105-136. [In Persian]
- Bukharai, Sh. (1998), *History of Bukhara, Khoqand and Kashgar*, Bukharai, researcher/corrector: Ashiq, Mohammad Akbar, Tehran, Mirath Maktoob Publishing House. [In Persian]
- Daniel, Elton (1988), *Political and Social History of Khorasan*, translated by Masoud Rajabnia, Tehran, Scientific and Cultural Publishing Company (Enteshārāt-e Elmi va Farhangi). [In Persian]
- Dehkhoda, A. A. (1962), *Dehkhoda Dictionary*, Tehran, Sirus Press. [In Persian]
- Dhunun al-Thamari, I. (2015). *Scientific Life in the Samanid Era*. Translated by Jamal Ashrafi. Tehran, Enteshārāt-e Elmi va Farhangi. [In Persian]
- Dovani, A. (1998), *The Meritorious Men of Islam*, Tehran, Center for the documentation of the Islamic Revolution. [In Persian]
- Foruzani, Seyyed Abolghasem (2008), *History of Political, Social, Economic and Cultural Developments in Iran during the Samanid Period*, Tehran, SAMT. [In Persian]
- Ghaffari, A. A. (1413 AH), "Introduction" in the book Ibn Babawayh, *Man La Yahduruhu al-Faqih*, Qom Daftar-i Intishārāt-i Islāmī affiliated with Jāmi‘at al-Mudarrisīn of the Ḥawzah ‘Ilmiyyah of Qom. (in Arabic)
- Ghasemi, E. (2011), *Recognition of Transoxiana Hadith Schools*, First Office, Samarkand Hadith School, Tehran, Institute of Islamic Studies, University of Tehran-McGill University. [In Persian]
- Gholam Ali, M. (2014), *History of Shiite Hadith in Transoxiana and Balkh*, an introduction to the Khorasan School of Hadith, Qom, Dar al-Hadith. [In Persian]
- Ibn al-Nadim, M. b. A. (1967). Translation of *Al-Fihrist* (M. R. Tajaddud, Trans.). Bank-e Bazargani Iran Printing House. [In Persian]
- Ibn Bābawayh, M. (1966). *‘Ilal al-Sharā‘i’*. Qom: Kitābfurūshī Dāwarī. [in Arabic]
- Ibn Bābawayh, M. (1978). *Al-Tawḥīd* (by al-Ṣadūq). Edited by Hāshim Ḥusaynī. Qom: Jame'eh Modarresin Hawzeh Elmiyeh Qom. [in Arabic]
- Ibn Bābawayh, M. (1975). *Kamāl al-Dīn wa Tamām al-Ni‘mah*. Edited by ‘Alī Akbar al-Ghaffārī. Tehran: Islāmīyyah. [in Arabic]
- Ibn Bābawayh, M. (1982). *Ma‘ānī al-Akhbār*. Edited by ‘Alī Akbar al-Ghaffārī. Qom: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī affiliated with Jāmi‘at al-Mudarrisīn of the Ḥawzah ‘Ilmiyyah of Qom. [in Arabic]

- Ibn Bābawayh, M. (1984). *Al-Khiṣāl* Qom: Jame'eh Modarresin Hawzeh Elmiyeh Qom. [in Arabic]
- Ibn Bābawayh, M. (1993). *Man Lā Yaḥḍuruh al-Faqīh*. Edited by 'Alī Akbar al-Ghaffārī. Qom: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī affiliated with Jāmi' at al-Mudarrisīn of the Ḥawzah 'Ilmiyyah of Qom. [in Arabic]
- Ibn Bābawayh, M. (1999). *Uyūn Akhbār al-Riḍā* ('alayhi al-Salām). Edited by Mahdī Lājwardī. Tehran: Nashr-i Jahān. [in Arabic]
- Ibn Faqīh, A. b. M. (1995). *Al-Buldan*. (Y. al-Hadi, Ed.). Alam al-Kutub. [in Arabic]
- Ibn Khaldūn, 'Abd al-Raḥmān. (2005). *Al-'Ibar* (Tārīkh Ibn Khaldūn). Translated by 'Abd al-Muḥammad Āyatī. Tehran: Paghūshgāh-i 'Ulūm-i Insānī va Muṭāla'āt-i Farhangī.
- Jabbari, M.R. (2005), *The Hadithi School of Qom*, Qom, Zayār-Astaneh al-Maqdisah. [In Persian]
- Khoei, Abul-Qasim (1993), *Mā jam Rijal al-Hadith wa Tafseel Tabaqat al-Ruwah* (Dictionary of Hadith and the Classification of Narrators), Qom, Markaz Nashr al-Thaqafah al-Islamiyyah fī al-Ālam. [in Arabic]
- Korani, A. (1990), *Asr Zahor* (The Time of the Appearance), Tehran, Islamic Propaganda Organization. (In Persian)
- Kulaynī, M. (1987). *Al-Kāfī*. Edited by 'Alī Akbar Ghaffārī and Muḥammad Ākhūndī. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah, [In Arabic]
- Ma'ārif, M. (1992) and Bagheri, Hamid, "Functions of Textual Criticism of Hadiths by Early Imami Hadith Scholars", *Journal of Quran and Hadith Studies*, Vol. 45, Issue 1. ,pp 39–70. [In Persian]
- Ma'ārif, M. (1995). *A Study on the History of Shi' Hadith from the Beginning to the End of the Fifth Century*. Tehran: Zārī Cultural and Artistic Institute, [In Persian]
- Mehrezi, M. (2017), *Hadithi Hozahs and Schools*, Qom, Quran and Hadith University Publications. [In Persian]
- Mofid, M. (1992), *al-Fusul al-Mukhtara*, researcher/corrector: Mir Sharifi, Ali, Qom, Congress of Sheikh Mofid. [in Arabic]
- Moftakheri, H. (1990), "The First Shi'a Efforts in Khorasan", *Quarterly Research Journal of Islamic History*, Issue 1, pp. 117–140. [In Persian]
- Moghaddisi, Abu Abdullah (N.D.), *Ahsan al-Taqaṣim fī Marafah al-Aqalim*, Karmi, Muhammad bin Ahmad, Beirut, Dar Sadir. [in Arabic]

- Motahari, S. M. (2011) and Mahmoud Taghizadeh Davari, "A Study of the Hadith Circle of Samarkand and Kash", *Journal of Shia Studies*, Issue 35, pp. 145-170. [In Persian]
- Mousavi Bojnourdi, K. (2004), *Islam, a historical and cultural research*, Tehran, Publications of the Great Islamic Encyclopedia Center. [In Persian]
- Mughniyeh, M. J. (N.D), *Al-Shi'a fi al-Mizan*, Beirut, Dar al-Ta'rif. [In Arabic]
- Najāshī, A. (2006). *Rijāl al-Najāshī*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī alTābi'ah li-Jamā'at al-Mudarrisīn bi-Qom. [In Arabic]
- Nawbakhti, Al-Husayn. (1984). *Firaq al-Shi'ah* [The Sects of the Shi'ah]. Beirut: Dar al-Adwa [In Arabic]
- Nu'mānī, I. (1976). *Al-Ghaybah*. researcher / proofreader: Ghafari, Ali Akbar, Tehran: Nashr Ṣadūq. [In Arabic]
- Paktchi, A. (1991), "Ibn Shazan", Great Islamic Encyclopedia, under the supervision of Kazem Mousavi Bojnourdi, Tehran, Center for the Great Islamic Encyclopedia, Volume 4, pp. 49-52. [In Persian]
- Parsa, F. (2012), "The Lost Heritage of Hadith from Transoxiana", Book of the Month of Religion (*Ketabe Mah-Din*), Vol. 175, pp. 8-14. [In Persian]
- Qahpa'i, I. (1968), *Majma' al-Rijal*, Isfahan, Ketab-forushi-e Saqafi. [In Arabic]
- Rezadad, A. (2016). *The Hadith School of Baghdad*. Mashhad: Astan-e Qods Razavi Publications. [In Persian]
- Rostami, M. H. (1390 SH) and Zakiyah Zare, "Fazl ibn Shādhān Nīshābūrī in the Mirror of Distinguishing Common Rijal [Narrator] Similarities," *Ketabe Gheym* , No. 1, pp. 197-214. [In Persian]
- Sadeq Sajjadi, M. (2019). History of the Barmakians. Tehran: Dr. Mahmoud Afshar Publications. [In Persian]
- Schacht, J. (1967). *The Origins of Muhammadan Jurisprudence*. 4th impression. Oxford [1st ed. 1959].
- Shafiei, S. (2009), "The Formative Steps of the First Shi'a Hadith School", *Hadith Sciences* , No. 47, pp. 113-145. [In Persian]
- Sharafi, A. R. (2012), "The Hadith Center of Nishabur from the Beginning to the Early 7th Century AH", *Hadith Sciences*, No. 57, pp. 211-235. [In Persian]
- Al-Tabarsi, H.. (1991). *Makarem al-Akhlaq* (The Nobility of Morals). Qom: Islamic Publishing Foundation. [In Arabic]

- Al-Turayhi, Fakhr al-Din ibn Muhammad. (1997) . *Majma' al-Bahrain* (The Confluence of the Two Seas). Edited by Ahmad al-Husayni al-Ashkuri. Tehran: Murtadawi. [In Arabic]
- Ṭūsī , M. (1987), . *Tahdhīb al-Aḥkām*. Edited by Ḥasan al-Mūsawī Kharsan, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Ṭūsī , M.(1988),*Rijal al-Kashi*, al-Kashi, Muhammad ibn Omar, edited by Hassan Mostafavi, Mashhad, Mashhad University Publishing House. [In Arabic]
- Ṭūsī, Muhammad bin Al-Hassan (1995), *Rijal al- Tousi*, research and correction by Javad Qayyumi Esfahani, Qom, Al-Nashar al-Islami Est. [In Arabic]
- Ṭūsī, M. (2011), *Al-Istibsar fima ikhtalafa min al-Akhbar*, researched by Hassan al-Musawi, Kharsan, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Ṭūsī,M. (1999). *Fihrist kutub al-Shī'ah wa uṣūlihim wa asmā' al-muṣannifīn wa aṣḥāb al-uṣūl*. Edited by Abdulaziz Tabatabai. Qom: Maktabat al-Muhaqqiq al-Tabatabai. [In Arabic]
- Unknown author (2003), *The Boundaries of the World from the East to the West*, edited by Yousef Al-Hadi, Cairo, Dar Al-Thaqafiya le alnashr. [In Arabic]
- al-Ya'qubi , A. (2001). *Al-Buldan* (The Countries). Edited by Muhammad Amin al-Dannawi. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah. [In Arabic]
- Yaqubi, Ahmad ibn Abi Yaqub (1999), *History of Yaqubi*, translated by Ayati, Mohammad Ibrahim, Tehran, Enteshārāt-e Elmi va Farhangi. .[In Persian]
- Yaqut al-Hamawi, Yaqut ibn 'Abdallah. (1995 CE).*Mu jam al-Buldan* (The Dictionary of Countries). Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
- Al-Zarkali, Khair al-Din (1989), *Al-A'lam*, Beirut, Dar al-'Ilm lil-Malayin. [In Arabic]

Recognizing the Early Shiite Hadith Schools of Khorasan and the Quality of their Interaction with Other Shiite Hadith schools

Forough Parsa

Professor, Departement of Quranic Studies, Institute for Humanities & Cultural Studies, Tehran, Iran. Email: f.parsa@ihcs.ac.ir

Received: 14/02/2024

Accepted: 09/05/2024

Introduction

Hadīth schools or scholarly circles, meaning groups of scholars engaged in the study of Hadīth based on specific methodological principles, have been identifiable from around the 3rd century AH (9th century CE) onwards in both the eastern and western parts of the Islamic world, including the region of Khorasan. In fact, Khorasan, which has always held significant historical and cultural importance, became a major scientific hub in the eastern Islamic world after the arrival of Islam, and both Sunni and Shiite Hadīth schools were formed there. The Shiite Hadīth schools were established following the presence of Imam Riḍā (as) in Khorasan in 200 AH, through the efforts of the Imam's companions and followers. Indeed, al-Faḍl ibn Shādhān (d. 260 /873) and Muḥammad ibn Mas'ūd al-'Ayyāshī (d. 320/ 932) founded strong Shiite Hadīth schools in Nishapur and Samarkand, respectively. This article introduces the key scholars and elucidates the foundational principles of these early schools, as well as examining how they interacted with other Shiite Hadīth schools.

Materials and Methods

The research employs a library-based method and a historical-analytical approach. The sources and materials of this research are historical documents and books, biographical works, bibliographies, and early hadith sources. In fact, the history and geography of the Khorasan region, as the most important cultural center of Greater Iran, have been studied in Classical sources such as *Aḥsan al-Taḳāsim fī Ma'rifat al-Aqālīm* by Al-Maqdisī, *Al-Buldān* by Ya'qūbī, *Al-'Ibar* by Ibn Khaldūn, and *Futūḥ al-Buldān* by Al-Baladhurī, covering both the pre-Islamic and post-Islamic eras. On the other hand, the hadith scholars of Khorasan have been identified through early biographical works such as *Ikhtiyār Ma'rifat al-Rijāl* (Rijāl al-Kashshī) and *Al-Rijāl* by Al-Shaykh al-Tūsī. The hadiths of Ibn Shādhān and 'Ayyāshī, the two figures under study, have been examined from books such as *Man Lā Yaḥḍuruḥu al-Faqīh* by Ibn Bābawayh and *al-Taḥf al-'Ayyāshī* by 'Ayyāshī. Furthermore, various historical, hadith, and encyclopedic sources on Shi'a hadith schools have been examined.

Results and Findings

The term "Hadith School" is a modern concept in the science of Hadith studies that originates from the perspectives of Joseph Schacht. In essence, a Hadith school refers to a specific discourse or tradition of Hadith established by a master of Hadith and continued by his students and followers. The most important early Shiite Hadith schools in Khorasan are associated with Faḍl ibn Shādhān al-Nīshābūrī and Mahammad al-'Ayyāshī in Samarkand. Faḍl ibn Shādhān was a prominent Shiite figure in Khorasan, and some consider him to have been a student of Imam al-Jawād, as well as Imam al-Hadi and Imam al-'Askari (as). Many of Faḍl ibn Shādhān's teachers were among the "Companions of Consensus" (Aṣḥāb al-Ijma'), whose knowledge and jurisprudential expertise are confirmed according to the principles of Shiite biographical evaluation (Ilm al-Rijal), and the traditions transmitted from them are considered reliable. In any case, Ibn Shādhān's school is very close to the Hadith school of Baghdad. It is crucial to note that Baghdad served as a hub of rationalism in Shiism, and even the Hadith school of Baghdad adhered to a rationalist approach. In fact, Ibn Shādhān was a student of both Muhammad ibn Abī 'Umayr and Yūnus ibn 'Abd al-Raḥmān and he made scholarly trips to Kufa and Baghdad. Ibn Shādhān appears in the chains of transmission (isnad) of about 775 Shiite traditions. Najashi listed 180 titles and Kashshī enumerated 160 titles of his works. None of these works have reached us. According to Kashshi, during the rule of Abdullah ibn Tahir over Khorasan (214-230 AH), Faḍl ibn Shādhān was subjected to an inquisition (taftish al-'aqa'id) due to his Shiite beliefs, was exiled from Nishapur, and while fleeing from the Kharijites, he fell ill and subsequently passed away. Muhammad ibn Mas'ud al-'Ayyāshī al-Samarqandi was also a student of Ibn Shādhān's school, and Shiite biographers consider him trustworthy and of high status. Al-'Ayyāshī, who was previously a Sunni Muslim converted to Shiite and founded Hadith school of Samarkand. 'Ayyāshī was a prolific and highly productive scholar. Sheikh Ṭūsī has mentioned approximately 200 works by him, and Ibn Nadim has listed 208 of his works. However, Najashi, in his list, has named about 160 of 'Ayyāshī's books, some of which are not mentioned in Ibn Nadim's or Ṭūsī's lists. Rationalism, attention to the conformity of Hadith with the Quran, combating the beliefs of deviant sects such as the Ghulat, and explaining Shiite theological and jurisprudential beliefs are among the characteristics of the Hadith schools of Ibn Shādhān and al-'Ayyāshī. It should be noted that the masters of the Qom School also strictly avoided narrating hadiths from the exaggerators (ghulāt).

Conclusion

1. Khorasan, with its significant political, economic, and cultural characteristics, from the second half of the first century AH, more or less hosted Shiites who had grown weary of the oppression of the caliphs.
2. The presence of Imam Reza (as) in Khorasan in the year 200 AH effectively paved the way for the expansion and prevalence of Shiite hadith. In fact, the emergence of Shiite hadith schools in Khorasan, where great Sunni scholars such as Bukhari, Muslim ibn Hajjaj Nīshābūrī, and Tirmidhi lived, is considered a turning point in the history of Shiite hadith.

3. Faḍl ibn Shādhān al-Nishapuri and Muhammad ibn Mas'ud al-'Ayyāshī, despite enduring governmental pressures and after numerous scholarly journeys to Baghdad, Kufa, and Qom, and studying under Shiite hadith masters, established powerful schools of hadith in Nishapur and Samarkand.
4. Rationalism and attention to theological issues, the necessity of a hadith's conformity with the Quran, the non-transmission of hadiths from exaggerators (ghulat), and the extensive presentation of ethical and jurisprudential hadiths are among the characteristics of these Shiite hadith schools in Khorasan. These characteristics are, to some extent, shared with the hadith schools of Baghdad and Qom.

Keywords: Khorasan, Hadith school, Imam Riḍā (as), Shia, Faḍl bin Shādhān, Ayashshī.

